

Advices for Iranian Anthropology with Emphasis on the Critical Review on the Book “*People and Lands*”

Parvin Ghasemi*

Abstract

This paper seeks to address aspects of contemporary Iranian anthropology by focusing on one of the works of Margaret Mead, a prominent American anthropologist. One of these aspects goes back to the introduction of a less-known work by Margaret Mead in Iran. In this regard, the position of classical works in Iranian academic anthropology is discussed. Anthropology, in the work of Margaret Mead, is based on philanthropy, presence, understanding, theorizing, as well as futurism in the past. The principles of understanding this type of anthropology is imagination, writing, philanthropy, movement, and seeing. Without addressing the classics in anthropology education, current Iranian academic education pays less attention to these basic works in anthropology. Iranian university anthropology, its curricula, the quantity and quality of student participation in curriculum design and development, need to be reviewed and revised. Reviewing classical works, extracting hidden and obvious principles in these texts and compiling curricula based on those principles according to the needs of this science taken from the opinions of students and graduates, will be effective in improving this area.

Keywords: Classical Anthropology, Curriculum, Iranian Anthropology, Anthropology as Science, Art

* PhD of Anthropology, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran,
parvingh90@gmail.com

Date received: 09/05/2022, Date of acceptance: 30/08/2022



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

توصیه‌هایی برای انسان‌شناسی ایرانی؛ با تأکید بر نقد و ارزیابی کتاب آدمیان و سرزمین‌ها

پروین قاسمی*

چکیده

این نوشتار درصدد است تا با تمرکز بر یکی از آثار مارگارت مید (Margaret Mead)، انسان‌شناس برجسته آمریکایی، به اهمیت مغفول‌مانده این آثار در انسان‌شناسی معاصر ایرانی بپردازد. طی این نقد و ارزیابی این اثر، بازگشت به اصول و اساس انسان‌شناسی آثار کلاسیک که در ایران کمتر به عنوان منبع درسی معرفی می‌شوند، اشاره خواهد شد. در این راستا به جایگاه آثار کلاسیک در انسان‌شناسی دانشگاهی ایران پرداخته می‌شود. انسان‌شناسی، در آثار مارگارت مید، مبتنی بر انسان‌دوستی، حضور، فهم، نظریه‌مندی و نظریه‌سازی و همچنین آینده‌نگری بر مبنای گذشته، است. مبانی فهم این نوع از انسان‌شناسی؛ تخیل، نوشتن، انسان‌دوستی، حرکت و دیدن است، بدون پرداختن به آثار کلاسیک در آموزش انسان‌شناسی، آموزش‌های رایج دانشگاهی ایرانی کمتر به این مبانی اولیه در انسان‌شناسی توجه می‌کند. انسان‌شناسی دانشگاهی ایران؛ برنامه‌های درسی آن، کمیت و کیفیت مشارکت دانشجویان در طراحی و تدوین برنامه درسی، نیازمند بازنگری و تجدیدنظر است. مرور آثار کلاسیک، استخراج اصول پنهان و آشکار در این متون و تدوین برنامه‌های درسی مبتنی بر آن اصول با توجه به نیازهای این علم برگرفته از نظرات دانشجویان و دانش‌آموختگان، در غنای آن مؤثر خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: انسان‌شناسی کلاسیک، انسان‌دوستی، برنامه درسی، انسان‌شناسی ایرانی، علم - هنر.

* دکتری انسان‌شناسی دانشگاه تهران، parvingh90@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۹، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۸



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

۱. مقدمه

انسان‌شناسی چیست؟ چه کاربردهایی دارد؟ چه آثاری برای فهم و درک انسان‌شناسی به ما کمک می‌کنند؟ پیش آمده است که آثار افرادی در سایر رشته‌های دانشگاهی، در زمره نوشته‌های انسان‌شناسانه معرفی شوند اما این آثار و نگرش آنها به سختی می‌توانند در زمره آثار انسان‌شناسی قرار بگیرند. برخی از این مورخان و ادیبان مثل جلال آل‌احمد یا علی شریعتی در کتاب *ابعاد سیاسی فرهنگ معاصر ایران* (فاضلی، ۱۳۹۶)، به عنوان انسان‌شناس معرفی شده‌اند، این در حالی است که پژوهش‌های آنها، با سنجه‌های انسان‌شناسی، انسان‌شناسانه نیستند (نک قاسمی، ۱۳۹۲). برای پاسخ پرسش‌های فوق و همچنین یافتن معیار و سنجه مناسب، نیاز هست به آثار کلاسیک مراجعه شود، این پژوهش‌ها سنجه مناسبی برای ترسیم خط تمایز آثار انسان‌شناختی و غیر آن است. از این رهگذر در این مقاله سعی خواهد شد تا به یکی از آثار مارگارت مید؛ *آدمیان و سرزمین‌ها* (۱۳۸۸)، که توسط نشر نی در ۳۳۰ صفحه منتشر شده است، پرداخته شود. سعی و تلاش مارگارت مید در این اثر و آثار دیگرش مبتنی بر نگاه انسان‌شناختی او شکل گرفته است. مارگارت مید پژوهش‌های انسان‌شناختی بسیاری انجام داده است هر کدام از آنها از شهرت جهانی برخوردارند. با جستجوی ساده در گوگل می‌توان فهرستی از آثاری که مید در نقش نویسنده یا ویراستار آنها بوده است، یافت. یکی از آثاری که این بانوی انسان‌شناس منتشر کرده است، کتاب *آدمیان و سرزمین‌ها* (مید، ۱۳۸۸) است که همچون کتاب‌های *بلوغ در ساموا* (مید، ۱۹۲۸) و *یا حتی غریزه جنسی و سرکوب آن در جوامع ابتدایی* (مالینفسکی، ۱۳۸۷)، از شهرت و نام‌داری جهانی برخوردار نیست. در ارجاع به آثار ماگارت مید در بیشتر منابع درسی انسان‌شناختی ایرانی، به طور معمول، کتاب *آدمیان و سرزمین‌ها* کمتر به عنوان منبع معرفی شده است. برای نمونه در کتاب *تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی* (فکوهی، ۱۳۸۱) به دو اثر ویراستاری توسط مید و همچنین چهار کتاب با نام‌های

- *بلوغ در ساموا* (مید، ۱۹۲۸)،

- *مراحل رشد در گینه نو* (مید، ۱۹۳۰)،

- *جنسیت و منش در سه جامعه بدوی* (۱۹۳۵)

- *مرد و زن* (۱۹۴۹)

- استمرار در تکامل فرهنگی (۱۹۶۴)

به قلم او، ارجاع داده شده است اما از کتاب *آدمیان و سرزمین‌ها* (۱۳۸۸) یا کتاب کمتر شناخته شده دیگر *فرهنگ و تعهد؛ پژوهش در باب شکاف نسل‌ها* (۱۳۸۵) که شهرت کمتر جهانی دارند، نشانی نیست. در ادامه بخش‌هایی از مصاحبه با دانشجویان انسان‌شناسی دانشگاه تهران هم آمده است که نشان می‌دهد کمتر آثار کلاسیک حتی آثار مشهور مید یا سایر انسان‌شناسان کلاسیک به عنوان یکی از منابع درسی معرفی می‌شوند.

کتاب *آدمیان و سرزمین‌ها* (۱۳۸۷) در دهه پایانی زندگی مید نوشته شده است و مبتنی بر نگاه و نگرش انسان‌شناختی انسان‌شناس مجربی است که تجربه و میدان‌های مختلفی از سر گذارنده است. به جرأت می‌توان گفت این کتاب از غریزه زنانه «حفظ انسان»، در نویسنده-ای که شاهد دو جنگ جهانی اول و دوم بوده است، متأثر است. روایت کتاب، نگاه او به جنگ، انسان و تعدد سرزمین‌ها و فرهنگ‌هایی است که روی زمین پراکنده هستند. گروه مخاطب این اثر، نوجوانان هستند. با زبان ساده و روان نوشته شده است. با وجود غلبه زبان ساده و روان مختص کودکان و نوجوانان، نگاه عمیقی بر اثر حاکم است، به طوری که برای بزرگسالان جذاب و گیراست. هر چند کتاب برای نوجوانان نوشته شده است اما به دلیل اینکه عصاره‌ای است از نگاه مید کهنسال به انسان و انسان‌شناسی در دوران پرتلاطم بعد از دو جنگ جهانی اول و دوم و همچنین به دلایلی که در ارزیابی محتوایی در ادامه، نشان داده‌ام، این اثر می‌تواند در کنار سایر آثار کلاسیک انسان‌شناختی، سنجه مناسبی برای خط فصل آثار انسان‌شناسی از غیرانسان‌شناسی و حتی آثار انسان‌شناسی ایرانی تلقی شود. با درک و فهم این اثر، بازگشت به خویشتن انسان‌شناسی در آثار یکی از سردمداران انسان‌شناسی دنیا، بازتعریفی از چیستی این شاخه از علم، ممکن و میسر می‌شود. بازگشت به اصل و بنیان هر شاخه علمی، برای فعالان هر حوزه علمی، ضرورت دارد. در انسان‌شناسی ایران، علاقه‌مندان به این حوزه که وارد دانشگاه می‌شوند در کتب نظری، تئوری و حتی حوزه‌های نامرتبط با انسان‌شناسی غرق می‌شوند. آنها در کلاس‌های درس، کمتر به این منابع اصلی ارجاع داده می‌شوند و با این آثار، مواجهه پیدا می‌کنند. شناخت این اصول و بنیان‌ها، تحولی در انسان‌شناسی معاصر ایرانی را موجب خواهد شد. طی مصاحبه‌ای با دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد رشته انسان‌شناسی دانشگاه تهران که مقطع کارشناسی را در گروه انسان‌شناسی دانشگاه تهران گذرانده‌اند، دروس کلاس‌های دوره کارشناسی بحث

و گفتگو شد. یکی از پرسش‌ها این بود که آیا آثار مارگارت مید یا سایر انسان‌شناسان کلاسیک در کلاس‌های درس به عنوان منبع درس معرفی می‌شوند. در این گفتگوها اشاره شد که به طور معمول کتاب‌های منتشره توسط اساتید در کلاس‌ها تدریس می‌شود و کمتر متون کلاسیک انسان‌شناختی، به عنوان منبع درسی معرفی می‌شود. در نشست دیگری از انسان‌شناسان دانش آموخته از فارغ التحصیلان دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد، به طور مشخص از مطالعه کتاب سرکوب غریزه جنسی^۲ و بلوغ در ساموا (مید، ۱۹۲۸) پرسش شد، هیچ کدام از آنها این کتاب‌ها و نیز کتاب کمتر شناخته شده آدَمیان و سرزمین‌ها (۱۳۸۸) را نخوانده بودند.

۲. معرفی اثر

مارگارت مید در آدَمیان و سرزمین‌ها (۱۳۸۸) انسان‌شناسی را با زبان ساده و روان، به خوانندگان نوجوان معرفی می‌کند. قسمتی که زیر نام «انسان، انسان را می‌شناسد» به انسان‌شناسی و کار انسان‌شناس و انسان‌ها توأمان اشاره می‌کند: «مردم‌شناس^۳ می‌کوشد مکان، زمان، چگونگی و سلسله مراتب دقیق رویدادها را روشن کند» (همان، ۲۱۵). در فصل دوم با عنوان برخی از اقوام چگونه زندگی می‌کنند، به ترتیب؛ زندگی قبایل اسکیمو در سرمای قطبی، سرخ پوستان دشت‌های وسیع آمریکای شمالی، آشنائی‌های آفریقای غربی، مردم بالای دریای مدیترانه و مینوسی‌های جزیره کرت از میان قبایل دنیا توصیف می‌شوند. در این فصل رویدادها و اتفاقاتی که این قبائل از سر گذارنده‌اند، گفته شده است. مید تأکید می‌کند با وجود

«تفاوت‌های محسوس میان این اقوام، هنوز به شیوه‌های بسیار متفاوت زندگی آدَمیان نپرداخته‌ایم» (همان، ص ۲۳۳).

هر جامعه، راهبردهای فرهنگی خاص خودش را برای مسائل دنیای پیرامونشان ارائه می‌دهد. طرح پرسش و مطالعه آن در میان جوامع یکی از روش‌های کاربردی در انسان‌شناسی است که تا اندازه‌ای متفاوت از سایر رشته‌های دست‌اندرکار مطالعه انسان است. به عنوان مثال در روان‌شناسی، مهیا ساختن شرایط آزمایشی با دو نمونه شاهد و کنترل در بررسی رفتارهای کودکان، عملی و قابل تصور است، اما ساخت گروه آزمایشی و شاهد با موضوع تربیت کودکان در محیط و تمدن‌های مختلف و مطالعه واکنش آنها در موقعیت‌های

مختلف تقریباً ناممکن است. در علم انسان‌شناسی، شیوه اصلی پاسخ به پرسش(های) تحقیق این است که محقق به مطالعه تمدن‌های مختلف و افراد بشر را که زیر شرایط فرهنگی مختلف در سایر نقاط گیتی زندگی می‌کنند، پردازد (مید: ۱۳۶۵: ۳۷). این تمایز و تفاوت روشی انسان‌شناسی با سایر علوم در قسمت پایانی فصل دوم آمده است، در اینجا مید به تمایز میان کار مردم‌شناس و شاعر یا نقاش و نمایشنامه‌نویس اشاره کرده است:

برای درک فرهنگ یک قوم حتماً باید همه خصوصیات آن قوم را بدانیم کجا زندگی می‌کنند، چه می‌خورند و غذایشان را از کجا به دست می‌آورند چه نوع خانواده‌ای دارند، بچه‌هایشان را چطور بزرگ می‌کنند با چه دیدی به جهان می‌نگرند و نحوه برخورد و رفتارشان با بیگانگان و عقاید تازه چگونه است» (مید، ۱۳۸۸: ۸۶).

در فصل بعدی، مارگارت مید وضعیت این قبائل را در دنیای معاصر که متأثر از تغییرات سریع جهان هستند، تشریح می‌کند. مخاطب کتاب با خواندن جزئیات زندگی این قبایل از گذشته تا اکنون، در پنج جامعه و فرهنگ مختلف از گذشته تا امروز نکات بسیاری از تنوع، تفاوت و در عین حال شباهت‌های رفتار انسانی را درک می‌کند.

فصل اول با نام «انسان، انسان را می‌شناسد» به «انسان از انسان جویا می‌شود» در فصل پایانی ختم می‌شود. در فصل آخر کتاب، نگارنده به دانش مشترک میان همه اقوام و گام‌هایی که باید برداشته شود، پرداخته است. سه بحران اصلی دنیای کنونی از نگاه وی؛ جنگ، دسترس‌پذیرکردن پیشرفت‌های جوامع صنعتی به کل دنیا و چگونگی اطلاع‌رسانی تحولات شگفت‌انگیز به همه مردم جهان است. در ادامه و به صورت گذرا به مسائل دیگری مانند ضرورت شکوفا شدن استعدادهای نهفته در همه انسان‌ها اشاره می‌کند. حل و فصل بحران جنگ که در واقع مهم‌ترین مسئله دنیای امروز از منظر مید است بیش از همه مورد تأکید نویسنده است. مید در خطوط پایانی کتاب هشدارگونه و خطاب به انسان‌های روی زمین، آنها را دعوت می‌کند تا از انسان و ماحصل تلاش‌هایش در تاریخ زمین، محافظت کند:

یک بار دیگر به مرحله‌ای از تاریخ می‌رسیم که انسان سخت باید مواظب کارهای خویش باشد مرحله‌ای که ایمنی تمام گروه بستگی به مردان و زنانی دارد که در کودکی آموخته‌اند زندگی در سده بیستم شبیه پرش با چتر نجات است: همان نخستین بار باید موفق شد، بار دومی در کار نیست (مید، ۱۳۸۸: ۳۱۳).

۳. ارزیابی محتوایی

ارزیابی این اثر با تمرکز بر ابعاد و ویژگی‌های قابل شناخت انسان‌شناسی مستتر در آن انجام خواهد شد و بیشتر به نقش آموزشی محتوای این اثر، بازمی‌گردد.

۱.۳ انسان‌شناسی، انسان‌دوستی (philanthropic) است

انسان‌شناسی، در آثار مارگارت مید همواره انسان‌دوستی خاصی را تداعی می‌کند. در مقام مقایسه، این ویژگی در آثار مید متفاوت از آثار سایر انسان‌شناسانی چون مالینفسکی (Malinowski) است. انسان‌دوستی خاص این اثر مید موجب می‌شود تا خواننده به تفکر در مورد ماهیت و چگونگی حفظ انسان از خطراتی که در کمین او نشسته است، بیاندیشد. در مورد مالینفسکی با وجود افشای خطرات وی از مطالعات میدانی او در کتاب *روزنوشت به معنای واقعی کلمه* (۱۹۸۹)، نیز این بُعد اخلاقی انسان‌شناسی دیده می‌شود. در آثار انسان‌شناسانی که علم و تحقیق و اخلاق را درهم آمیخته‌اند، بارقه‌هایی از تعلق خاطر به جوامع مورد مطالعه دیده می‌شود. البته تفاوت‌هایی در این تعلق خاطر به جوامع دیده می‌شود. برای درک بیشتر به یکی از آثار انسان‌شناختی مالینفسکی، *سه گزارش از مردم بدوی* (ابتدایی‌ها) (۱۳۸۹) اشاره می‌کنم، در فصل‌های ابتدایی کتاب، همواره مالینفسکی، دورکیم (Durkheim) و سایر نظریه‌پردازان را به دلیل عدم درک درست قواعد و قوانین زندگی جوامع ابتدایی و اشاعه تصور غلط و ساده‌انگارانه از جوامع بدوی در تیررس آماج انتقادات خود قرار می‌دهد. مالینفسکی در این اثر سعی می‌کند تا به معرفی اساس و بنای شناخت درست و نزدیک به زندگی و اندیشه دیگری در جامعه مورد مطالعه بپردازد. پنداشته‌های محقق، شناخت فرهنگ میدان مورد مطالعه را به انحراف می‌کشاند. بنا بر شناخت «دیگری»، همانطور که هست» و فارغ از پنداشته‌های ما، موجودات ابتدایی به عنوان موجوداتی صاحب اندیشه و معرفی می‌شوند، هر چند مالینفسکی در قسمت‌هایی از اثر، نسبت به اعضاء جامعه بدوی که مسئول حمل او به محل اجرای مناسک بودند، خشم می‌گیرد، با آنها تندی می‌کند. مواجهه از بالا به پائین مالینفسکی با حمال‌های بومی او به محل‌های مورد نظرش در این اثر نیز قابل تأمل است. این قبیل رفتارهای تحقیرآمیز در آثار مید به طور کلی و آدمیان و سرزمین‌ها (مید، ۱۳۸۸) به طور خاص، دیده نمی‌شود.

۲.۳ انسان‌شناسی، جزءنگر و جهان شمول است

سه حلقه مسائل زندگی انسان امروز، توصیف دقیق و جزئی زندگی میدان‌های مطالعاتی او و در آخر انسان‌شناسی در اثر مید برجسته شده است که در آن محقق انسان‌شناس حلقه واسط میان این حلقه‌هاست. مشاهده شیوه‌های متفاوت زندگی در روزی زمین از طریق مواجهه با تعدد قبایل با بی‌شمار شیوه‌های زندگی که در روزی زمین وجود دارد، به درک و فهم انسان به مثابه موجود زنده صاحب فکر می‌انجامد. همین ویژگی به انسان‌شناسی خصلت جهان‌شمول می‌بخشد. این جهان‌شمولی کاملاً متفاوت از تحلیل جهانی دنیا مبتنی بر آراء و نظریات رایج، متفاوت است. گروهی سعی دارند تا جهان را از لنز اندیشه‌های جهانی، مثل سوسیالیسم، کمونیسم و سرمایه‌داری یا لیبرالیسم که برایشان قابل درک است مشاهده کنند. اندیشه‌های جهانی شده با مسائل جهان‌شمولی که زندگی روزمره انسان را تحت‌الشعاع خود قرار داده است متفاوت هستند. مالینفسکی (۱۳۸۹) در صفحه ۱۳ کتابش، به آراء دکتر ریورز (Rivers) اشاره کرده است. دکتر ریورز سعی دارد با آراء کمونیستی و سوسیالیستی اقتصاد جوامع ملانزیایی را تحلیل کند. بررسی جامعه مورد مطالعه با لنزهای نظری از پیش تعیین شده، سوءتفاهم در مورد جامعه مورد مطالعه ایجاد می‌کند. در ادامه همان فصل، مالینفسکی به صورت طعنه‌آمیز درباره تأمین مالی و اقتصادی خواهر و فرزندانش توسط برادر خواهر(دایی) می‌نویسد:

دادن پیشکش‌های مربوط به محصولات درو در بافت جامعه شناسی خود و با آزمایش نزدیک روابطی که با پیشکش مطابقت دارند، به تحقق می‌رسد که هر یک از معاملات که از آنها این روابط ساخته می‌شوند حلقه‌ای از زنجیره تبادلات دو طرفه تشکیل می‌دهد اما اگر معامله را منفرداً به حساب آورده و از چارچوب خود جدا کنیم، هر معامله - ای عاری از مفهوم و به طرز غیرقابل تحملی پرزحمت، بدون هیچ معنای جامعه - شناختی و بنابراین بدون شک از نوع کمونیستی به نظر خواهد رسید (مالینفسکی، ۱۳۸۹، ۲۹-۳۲).

تمایز میان اندیشه‌ها و کلان‌روایت‌های جهانی با مسائل همه‌گیر در دنیا نیاز به هوشمندی دارد، که در آثار مید به آن توجه شده است. نقد و بررسی روابط جنسی در ساموآ و همچنین آراء روانکاوانه فروید (Freud) در کتاب *آدمیان و سرزمین‌ها* (مید، ۱۳۸۸)

نمونه دیگری از نقد این نوع نگاه جهان‌شمول به جنگ و روابط جنسی است که همواره مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۳.۳ انسان‌شناسی، آینده‌نگرانه و مبتنی بر گذشته‌های امروزی است

در انسان‌شناسی، میدان مطالعات سنتی و مدرن محل مناقشه و بحث میان متخصصان و کارشناسان این حوزه است. انسان‌شناسی مدرن میدان خود را در فضاهای مدرن و امروزی از قبیل مترو، کافه، محله‌های شهری و از این دست جستجو می‌کند. انسان‌شناسی سنتی قبایل خارج از خانه و ابتدایی را میدان مطالعه خود قرار می‌دهند. این مناقشه به کجا می‌انجامد و چه بر سر انسان‌شناسی به صورت عام خواهد آمد، جای بحث دارد. در کتاب *آدمیان و سرزمین‌ها* (۱۳۸۸) وضعیت کنونی جامعه مدرن و تهدید دنیا به جنگ خانمان‌سوز، ذهن مید را به این سوق داد تا در راستای پاسخ به پرسش ذهنی کتاب، هر آنچه مورد نیاز است، بررسی کند؛ حتی جوامعی که از آنها جز برخی اسناد و مدارک چیزی بر نمانده است. زمانی که نویسنده روی جوامعی که از آنها جز بقایایی اندک به جا نمانده است، مطالعه از این منظر باستان‌شناختی به نظر آمده است. این مطالعه انسان‌شناختی در قبائل دورافتاده در راستای خدمت به جامعه مدرن امروزی است. انسان‌شناسی پاسخ به سؤالاتی است در مورد انسان و با تلاش برای حفظ انسان از گزند آسیب‌هایی که ممکن است جنگ‌های بزرگ انسانی و سایر بلاها، به آن وارد کند. در مقدمه کتاب آمده است که در مجله نیویورک تایمز (۱۹۶۸)، مارگارت مید به عنوان «مادر دنیا» اشاره شده است. او در نقش انسان‌شناس به محافظت از انسان و جایی که در آن زندگی می‌کند، می‌پردازد. در این راستا او بر مبنای مطالعات خود در جوامع گذشته، برخلاف نگاه جنگ‌طلبانه ماکیاوولی (Machiavelli) در کتاب شهریار (۱۳۱۱)، نتیجه می‌گیرد که اتفاقاً جنگ جزئی از ماهیت انسانی نیست و انسان می‌تواند بدون جنگ نیز زندگی کند. این شیوه حتی در اولین کتاب او، *بلوغ در ساموا* (۱۳۶۵) نیز مدنظر بوده است. مید در قبائل ساموا به دنبال طرح پاسخی برای معضل و مشکل بلوغ در میان نوجوانان آمریکایی بود. او در مورد برگزیدن نگرش سنتی یا مدرن و میدان‌های مطالعاتی در میان جوامع ابتدایی یا میدان‌های مطالعاتی همچون فضاهای شهرهای مدرن معتقد است:

در تمدن‌های پیچیده اروپایی یا تمدن‌های عالی شرق، دانشجوی رشته مردم‌شناسی برای شناختن فشارهای موجود در مطالعه باید سال‌ها کوشش کند. در حالیکه می‌تواند طی چند ماه از عهده شناخت ساخت مقدماتی یک جامعه ابتدایی که زبان نوشته شده ندارد و دارای مشکلات ساده‌ایست برآید. آن به اندازه‌ای ساده است که بتواند کسانی را که به شیوه زندگی آمریکا عادت کرده‌اند راهنمایی کند و به اندازه‌ای ساده است که می‌توان آن را زود فهمید (مید، ۱۳۶۵: ۳۸).

با این وصف می‌توان فهمید که مید اتفاقاً برای فهم جامعه کنونی دست به دامان جوامع سستی و ابتدایی می‌شوند. این سادگی و کوچکی جوامع ابتدایی، انسان‌شناس را در تحقق کل‌گرایی در عین جزءنگری توانا می‌سازد. مید در رجوع به فرهنگی متفاوت از فرهنگ خودش، به آشنائی‌زدایی از فرهنگ خودی نیز می‌پردازد: «احساس قدردانی که ما نسبت به تمدن خودمان خواهیم داشت فزونتر می‌گردد» (همان، ۴۳).

۴.۳ انسان‌شناسی، نظریه‌محور و نظریه‌پرداز است

جایگاه نظریه در انسان‌شناسی محل بحث است (نک. بارت، ۱۳۹۴). نظریه چیست و اهمیت آن به عنوان جزئی فرعی یا اصلی در تحقیقات انسان‌شناسی چگونه است؟ آیا می‌توان بدون دخالت نظریه و نظریات مختلف در انسان‌شناسی به تحقیق و پژوهش پرداخت؟ آیا نیازی به دانش نظری در تحقیقات انسان‌شناسی هست؟ در سه گزارش اولیه از مردم بدوی (ابتدایی‌ها) (۱۳۸۹)، مالینفسکی طی اشارات چندگانه به اصحاب انسان‌شناس و غیر انسان‌شناس در حوزه‌هایی همچون اسطوره، بنای نظری مشخصی برای پژوهش خودش ساخته و پرداخته کرده است. دانش او در مورد آثار و نظریاتی که در حوزه اسطوره نوشته شده است، مثال زدنی است. اما این تمام ماجرا نیست، در طیف دیگری از نقش و اهمیت نظریه‌ها در پژوهش، مارگارت مید و اثرش قرار دارد. آثار مید کمتر به مطالعات نظری آمیخته است او تنها به فراروایت فرویدی از جنگ که اینگونه تلقین می‌کند که جنگ پدیده‌ای همواره همراه و همزاد انسان است، ارجاع می‌دهد. او در اثرش ضمن ارجاعات معدود به فروید، نظریه مختص پژوهش کتاب را می‌سازد. اینطور به نظر می‌رسد که آن اثر مبتنی بر پرسش و گردآوری داده‌ها در راستای نظریه‌اش است. هر دو این آثار می‌توانند در چگونگی کاربست و ساخت نظریه، نقش مهم و متفاوتی در آموزش علاقه‌مندان

انسان‌شناسی ایفاء کنند. ساخت نظریه و کاربرست آن بستگی به سبک پژوهش‌گر، آموزه‌ها و نگرش و دانش نظری محققان دارد.

۵.۳ انسان‌شناسی، هم مردانه و هم زنانه است اما

آیا انسان‌شناسی رشته‌ای زنانه است؟ استنلی ر. بارت (Stanley R. Barrett) (۱۳۸۸) معتقد است که زنان در نفوذ به برخی از میدان‌های تحقیق دشواری‌هایی دارند. نگاهی به آثار مالینفسکی در کنار آثار مید نشان می‌دهد که انسان‌شناسی می‌تواند مردانه و زنانه باشد و فراتر از جنسیت، این رشته انسانانه است و جا دارد تا به آن از این منظر توجه شود. آثار انسان‌شناسان زن و مرد، مثال‌های خوبی در این زمینه هستند. اما همچنان نکته‌ای برای خواننده این آثار بارز و هویداست و آن تفاوت نگاه زنانه و مردانه به ابعاد مختلف تحقیق میدانی و جامعه‌مورد مطالعه است. با توجه به اثر، سه گزارش از مردم بدوی (ابتدایی) در مقایسه با اثر مارگارت مید این تفاوت قابل فهم است. تعداد بسیاری از مردان انسان‌شناس توانستند در میدان به خوبی ایفاء نقش کنند، ببینند، بشنوند، بنویسند و تحلیل کنند، اما نگاه زنانه به میدان تفاوت‌هایی با نگاه مردانه دارد. مالینفسکی بسان مکتبی که آن را پرورش داد و در آن پرورش یافت، به میدان، کارکردگرایانه نگاه می‌کرد. ردپای احساس و توجه به انسان در آثار او دیده می‌شود. این احساسات، نوشته‌های این انسان‌شناس را متمایز از دیگر آثار نگارش شده در خصوص جوامع ابتدایی متفاوت می‌کند، اما آنچه در *آدمیان* و *سرزمین‌ها* می‌بینیم، به درستی برخاسته از احساسات مادری نگران برای فرزندانش است. او سعی می‌کند مطالعه‌اش را در راستای نشانه‌های نگرانش به خدمت بگیرد و به تمام دنیا اعلام کند جنگ، ویژگی طبیعی جوامع بشری نیست. زنهار و هشدار او از ابتدا تا پایان اثر قابل توجه است. انسان‌شناسی دور از احساسات و ارزش‌های انسانی محقق نیست و اینها حال به واسطه طبیعت یا حاصل تلقین نگرش جامعه (نک به برایاز، ۲۰۱۹)، در زنان بیشتر دیده می‌شود.

۴. ارزیابی شکلی و فنی

این اثر درس‌های بسیاری برای انسان‌شناسی ایران به همراه دارد و به همین دلیل پیش از هر نکته باید از انتخاب این متن کلاسیک جهت ترجمه، از دست‌اندرکاران ترجمه آن، تقدیر

کرد، حتی اگر ترجمه برگردان کامل متن نبوده باشد! انتخاب این اثر و ترجمه آن، توجه به جریان‌های تأثیرگذار انسان‌شناسی دنیا است. ترجمه خوب و روان اثر جای تحسین دارد و احساس خستگی و عدم درک از خوانش آن طی مطالعه آن ایجاد نمی‌شود. ویراستاری بدون اشتباهات تایپی در این خصوص بی‌تأثیر نیست. تنها چیزی که مکرر در اثر دیده می‌شود افزودن پسوند «اند» در انتهای افعال بود که در برخی از موارد نیازی نبود. تأکید بر جدانویسی پسوند از کلمه اصلی، به شکل غلوآمیزی در کل اثر برجسته شده بود؛ پسوند «اند» در فعل این جمله «این اشخاص بلداند چطور با ارواح حرف بزنند» در صفحه ۹۷

و در جای دیگر،

«کودکان مجبوراند برای تهیه سوخت بوته جمع کنند» از صفحه ۱۱۱ از این نمونه‌ها

هستند.

در این ترجمه، همانطور که در بالا هم اشاره شد، هم‌چنان تقابل میان دو مفهوم انسان‌شناسی و مردم‌شناسی از گوشه و کنار اثر بیرون زده است. تأکید بر مفهوم مردم‌شناسی و نه انسان‌شناسی نشان می‌دهد مترجم متعلق به طیفی است که بر مفهوم مردم و اولویت دادن به کاربرد مردم‌شناسی بر انسان‌شناسی تأکید می‌کند. در ضمن باید یادآور شد که اینجا بنا به ترجمه‌ای که صورت گرفته است همواره در سرفصل‌های کتاب مفهوم «انسان» به کار رفته است و به طور کلی کلیدواژه اصلی متن «انسان» است و کلمه «مردم» هم به تناسب در قسمت‌های مختلف به کار رفته است. امید است با توجه به استدلال هواداران دو مفهوم انسان‌شناسی و مردم‌شناسی که اتفاقاً هر گروه استدلال‌های متقن و در خور تأمل ارائه می‌دهند، برای خروج از این مناقشه، مفهوم مناسب و درخوری یافت شود.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

بازگشت به آثار انسان‌شناسان کلاسیک و خواندن آنها موجب وقوع تغییراتی در کیفیت انسان‌شناسی خواهد شد. یکی از تحولات توجه به مبانی اولیه و مهم در شکل گرفتن این آثار به مثابه جوهره انسان‌شناسی است. برخی از آنها در بالا توضیح داده شد. این اساس و بنای آثار می‌تواند در قالب دروسی چون «پروش احساس انسان‌دوستی»، «پروش تخیل»، «پروش دید»، «پروش قوه نگارش»، «پروش سخن گفتن در جامعه مدنی»، «پروش ایده‌پردازی و پروش انعطاف‌پذیری در میدان»، تجسم وجودی پیدا کنند و جایگزین

دروس کمتر ضروری برای آموزش این هنر-علم شوند. آدمیان و سرزمین‌ها، اثری علمی - هنری با انواع ظرافت هنری، اعم از استعاره، کنایه، ایجاز است. به رغم این نکته مستتر در انسان‌شناسی، کلیه دروس انسان‌شناسی در دانشگاه‌های ایرانی، به سبک شاخه‌های دیگر علوم اجتماعی که کماکان مبتنی بر روش‌های کمی (سنجش دروس مبتنی بر نمره دهی) و پوزیتیویستی هستند، طراحی و ارائه می‌شوند، یکی از انواع نگاه‌های پوزیتیویستی در نام درس‌ها نهفته است، نام واحدهای جامعه‌شناسی با حذف کلمه جامعه‌شناسی و افزودن واژه انسان‌شناسی در فهرست برنامه درسی این رشته قرار می‌گیرد؛ برای مثال، مابه‌ازای، جامعه‌شناسی شهری، انسان‌شناسی شهری در این رشته تدریس می‌شود، این در حالی است که این دو رشته تفاوت‌هایی باهم دارند که قابل تأمل هستند. امروزه هجمه تفسیرگرایان به مفاهیم پوزیتیویستی در تحقیقات اجتماعی پیش از پیش دیده می‌شود، اما کمتر در خصوص چنین پوزیتیویستی برنامه درسی این رشته حرف زده می‌شود، این در حالی است که ریشه و بنیان هر رشته‌ای بر مبنای دروس و شرح درس‌های آن شکل می‌گیرد، از طرفی آنچه محرز و هویداست عدم دخالت دادن دانشجویان انسان‌شناسی در طراحی برنامه درسی است که مورد نیاز آنهاست. انسان‌شناسی، علمی برای زندگی است و دانشجویان در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری می‌توانند در طراحی دروس و برنامه‌های درسی گروه مشارکت کنند، اما بنا به تجربه زیسته من در سال‌های دانشجویی در دانشگاه تهران، شاهد بوده‌ام که به طور معمول برنامه درسی در کلیه دوره‌ها پشت درهای بسته و توسط اساتید رشته انجام می‌شود. این آن چیزی نیست که بخواهیم آن را ابداع کنیم یا پیشرو و پیشگام در انجام آن باشیم، این در گروه‌های انسان‌شناسی دانشگاه‌های مطرح دنیا اتفاق می‌افتد.^۵ تأکید بر بازگشت به این اساس و بنیان‌های انسان‌شناسی، تأکید بر سویه سنتی انسان‌شناسی و رفتن به ماوراء مرزها برای یافتن میدان مطالعاتی نیست. انسان‌شناسی، تقابل حوزه سنتی و مدرن و میدان‌های مطالعاتی فضاهای سنتی یا شهری، نیست، بلکه این علم در صدد است به ما بیاموزد که چه چیز را، چگونه، چطور و مهم‌تر از همه اینها، چرا ببینیم. چیستی میدان و چیستی نگرش‌هایی که در میدان وجود دارد لازم و ملزوم انسان‌شناسی است. به نظر می‌رسد تأکید بر محل اختلاف حوزه و میدان‌های تحقیق انسان‌شناسی، ما را از اصل و اساس این علم - هنر بازداشته است و سایه خود را بر معرفی آثار کلاسیک انسان‌شناسی انداخته است. در این میان شناخت اقدامات و میدان‌های مارگارت مید نیز می‌تواند در کاستن دعاها و مشاجرات مؤثر باشد. او علاوه بر اینکه تجربه انسان‌شناسی در قبایل دور افتاده را

دارد به عنوان یکی از محققان در آمریکا و زندگی مدرن آمریکایی نیز تحقیق می‌کند و نتایج تحقیقات خود را به جامعه مدرن آمریکا ارائه می‌کند.

همچنین همانطور که بالا اشاره شد، این اثر مید در واقع پاسخی است به دو جنگ جهانی که نویسنده و کشورش از سر گذرانده‌اند و جنگ‌هایی که ممکن است به نابودی ویرانی آینده تمدن بشری منجر شود. مید از هر فرصتی برای نشان دادن دغدغه‌اش نسبت به جنگ دریغ نمی‌کند. امروزه ایران و کشورهای آسیای میانه و بخش‌های دیگری از دنیا همواره در معرض تهدید جنگ قرار دارند. انسان‌شناسان اعم از ایرانی و عرب، ترک، آمریکایی، اروپایی لازم است تا تمام قد از این میراث فکری که از مید به جا مانده است حمایت کنند. نشان دادن میراث بشری به جا مانده طی قرن‌ها، از جمله اقداماتی است که انسان‌شناسی می‌تواند به دنیا عرضه کند. در کنار آن سهیم کردن این نگاه و نگرش با کودکان و نوجوانان این سرزمین نیز یکی از اقداماتی است که می‌تواند در تقویت بنیه انسان‌شناختی در ساختن این دنیا نقش داشته باشد. اینجا می‌توان پرسید که انسان‌شناسی در مخاطب قرار دادن این طیف کجا قرار دارد؟ جامعه‌شناسی، فلسفه و ریاضی و ادبیات هر کدام در برنامه درسی نوجوانان این مرز و بوم سهمی دارند و اما سهم انسان‌شناسی کجاست؟ گذشته از سهم این رشته در برنامه درسی کودکان و نوجوانان باید گفت سهم آنها از این شاخه علمی حتی در بازار نشر کودکان نیز در نظر گرفته نشده است. انسان‌شناسی ایران رشته‌ای بالنده و رو به رشد است. امید است در این مسیر، نبود انسان‌شناسی ایران در قسمت‌های مختلف و با توجه به نیازهای گروه‌های سنی کودکان و نوجوانان مدنظر قرار گیرد. معرفی آثار انسان‌شناختی انسان‌شناسان بنیانگذار به عنوان برنامه روزمره و جاری در مراکز آموزش انسان‌شناسی می‌تواند در ترسیم خط مشی آینده این رشته مؤثر واقع شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. این اثر با نام انگلیسی *People and Places* در سال ۱۹۵۹ به چاپ رسیده است.
۲. کلیه آثار نام‌برده در این مقاله، بیشتر از سه دهه است که در ایران ترجمه و منتشر شده است.

۳. در ترجمه کتاب از کلمه مردم‌شناس استفاده شده است. بین کاربرد یکی از این دو مفهوم انسان-شناس و مردم‌شناس در اجتماع انسان‌شناس-مردم‌شناسان ایرانی توافق نظر وجود ندارد (رجوع کنید به بلوک باشی، ۱۳۹۲).

۴. این اثر از نسخه فرانسوی اثر (2001) *trois essais sur la vie social des primatifs* ترجمه شده است. ۵. جا دارد اینجا به تجربه دکتر فاضلی در گروه انسان‌شناسی دانشگاه سواس لندن و نظرخواهی از دانشجویان برای چینش سرفصل‌های دروس مردم‌نگاری (نک. فاضلی ۱۳۹۰) اشاره می‌کنم، در راستای تجدید نظر در مورد دروس این رشته در دانشگاه، بارش فکری در کلاس درس با حضور دانشجویان و اساتید برگزار شد و دانشجویان هر کدام نظراتشان را در مورد سرفصل‌های درسی بیان می‌کردند.

کتاب‌نامه

- هیلند اریکسون، توماس؛ سیورت نیلسن، فین (۱۳۸۷). تاریخ انسان‌شناسی (از آغاز تا امروز)، ترجمه علی بلوکباشی، چاپ اول. تهران: گل آذین،
- مید، مارگارت (۱۳۸۸) آدمیان و سرزمین‌ها، ترجمه علی اصغر بهرامی، چاپ دوم (انتشار ویراست اول در سال ۱۳۸۲ انجام شده است) تهران: نشر نی،
- مید، مارگارت (۱۳۶۵) بلوغ در ساموآ، ترجمه مهین میلانی، چاپ اول. تهران: نشر ویس .
- مید، مارگارت (۱۳۸۵) فرهنگ و تعهد: پژوهش درباره شکاف نسل‌ها، ترجمه عبدالعلی دستغیب، شیراز، انتشارات نوید.
- مالینفسکی، برانیسلاو (۱۳۸۹) سه گزارش از زندگی اجتماعی مردم بدوی (ابتدایی‌ها)، ترجمه اصغر عسگری خانقاه، چاپ اول. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی،
- مالینفسکی، برانیسلاو (۱۳۸۷) غریزه جنسی و سرکوبی آن در جوامع ابتدایی، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ اول. نشر ثالث.
- ماکیاولی، نیکولاس (۱۳۱۱) شهریار، ترجمه محمود محمود. مورخه ۱۳۹۹/۸/۱۰ دسترسی در سایت <https://files.tarikhema.org/pdf/adab/Sahreyar.pdf>
- بارت، استنلی، ر (۱۳۸۸) نظریه و روش برای دانشجویان، ترجمه شاهده سعیدی، چاپ اول. تهران: نشر دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۱) تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی، نشر نی، چاپ اول.
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۹۰) مردم‌نگاری سفر، چاپ اول. تهران: انتشارات آراسته،

توصیه‌هایی برای انسان‌شناسی ایرانی ... (پروین قاسمی) ۴۱

قاسمی، پروین (۱۳۹۶) «سنگ و شیشه»، فصلنامه نقد کتاب علوم اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۵-۱۶. صص ۴۹-۹۶

Braizaz, Marion (2019) Femininity and Fashion: How Women Experience Gender Role Through their Dressing Practices, Vol. 8, No 1, p. 59-76

Malinowski, Bronislaw (1989) A Diary in the Strict Sense of the Term, 1eds, Stanford University Press.

Mead, Margaret (1930) Growing Up In New Guinea , New York, Blue Ribon.

Mead, Margaret (1935) Sex and Temperament in Three Primitive Societies , New York, Morrow.

Mead, Margaret (1949) Male and Female New York, Morrow

Mead, Margaret (1964) Continuities in Cultural Evolution , New Haven: Yale University Press.